



Analyzing the Meaning of Extramarital Relationships from the Perspective of Married People (Case Study: Married People Involved in Extramarital Relationships in Tehran)

Fatemeh Geravand¹ | Aliyar Ahmadi²

1. Ph.D in Sociology, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: fgsociology2015@gmail.com

2. Corresponding Author, Associate Professor of Demography, Department of Sociology and Social Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran, Email: ahmadi.aliyar@gmail.com.

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2025 - 1 - 3

Received in revised form:
2025 - 2 - 27

Accepted: 2025 - 3 - 15

Published online: 2025-5-10

Keywords:

Marriage, Married People,
Sexual Extramarital
Relationships, Emotional
Extramarital Relationships,
Tehran.

ABSTRACT

Extramarital relationships are defined and interpreted differently across societies, cultures, and even among individuals, and have always been a source of controversy. According to research findings, the way individuals define and interpret extramarital relationships predicts their involvement in such relationships. Therefore, one of the most important aspects of examining extramarital relationships is addressing individuals' perspectives about them. Accordingly, this paper aims to explore the interpretations and meanings that married people assign to these relationships by utilizing a qualitative research approach. In performing the objective of this analysis, eighteen married people - Tehran residents - had been interviewed: Semi-structured interviews who, within virtual or real-space contexts, needed to establish at least one of their sexual-emotional or only-sex or emotion relations. Thematic analysis of the participants' narratives revealed that these meanings and interpretations included reducing extramarital relationships to sexual intercourse, trivializing extramarital relationships, generalizing extramarital relationships, discrediting marital fidelity, and Extramarital Relationships as Tacit Agreements. In this way, throughout this process, those studied participated in the re-conceptualizing of an extra-marital relationship as a non-moral issue and became involved in one. These findings show that through the redefinition, the participants did not try to eliminate the unfaithfulness label linked with their cheating behavior but tried to justify the involvement in these relationships as a strategy.

Cite this article: Geravand, F.; & Ahmadi, A; (2024) Analyzing the Meaning of Extramarital Relationships from the Perspective of Married People, *Journal of Social Problems of Iran*, 15 (2),197-217.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.388102.671285>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.388102.671285>

واکوی معنای روابط فرازنشویی از دیدگاه افراد متأهل

(مطالعه موردی: افراد متأهل دارای تجربه درگیری در رابطه فرازنشویی شهر تهران)

فاطمه گراوند^۱ | علی یار احمدی^۲

۱. دکتری جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: fgsociology2015@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

رایانامه: ahmadi.aliyar@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	روابط فرازنشویی در میان جوامع، فرهنگ‌ها و حتی افراد متفاوت معنا و تفسیر یکسانی نداشته و همواره مورد اختلاف بوده است. براساس نتایج تحقیقات اینکه افراد چه تعریفی از رابطه فرازنشویی دارند و آن را چگونه تفسیر می‌کنند پیش‌بینی‌کننده درگیری آن‌ها در این روابط خواهد بود. لذا، یکی از مهم‌ترین وجوه بررسی روابط فرازنشویی پرداختن به دیدگاه افراد درباره معنای این روابط است. براین اساس در مقاله حاضر بر آن شدیم با بهره‌گیری از روش کیفی به بررسی تفسیر و معنابخشی افراد متأهل درباره این روابط بپردازیم. بدین منظور با هجده فرد متأهل ساکن شهر تهران مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفت. این افراد بایستی حداقل یک‌بار تجربه درگیری در یکی از روابط جنسی، عاطفی یا جنسی-عاطفی در فضای واقعی یا مجازی را می‌داشتند. نتایج تجزیه و تحلیل روایت مشارکت‌کنندگان که از طریق تحلیل تماتیک انجام گرفت نشان می‌دهد معنا و تفسیر این افراد شامل تقلیل روابط فرازنشویی به آمیزش جنسی، ناچیزانگاری روابط فرازنشویی، همه‌گیرپنداری روابط فرازنشویی، بی‌اعتبارسازی وفاداری زنشویی و رابطه فرازنشویی به مثابه یک توافق ضمنی بوده است. افراد مورد بررسی طی این فرایند معنابخشی به برجسب‌زدایی از روابط فرازنشویی به مثابه یک امر غیراخلاقی پرداخته و درگیر این روابط شده بودند. بررسی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد این افراد از طریق برجسب‌زدایی تلاش نداشته‌اند عنوان بی‌وفایی را از رفتار خیانتکارانه خود بردارند بلکه سعی داشته‌اند از طریق این استراتژی درگیری خود در این روابط را توجیه نمایند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰	
کلیدواژه‌ها:	
ازدواج، افراد متأهل، روابط	
فرازنشویی جنسی، روابط	
فرازنشویی عاطفی، شهر تهران.	

استناد: گراوند، فاطمه ؛ و احمدی، علی یار ؛ (۱۴۰۳) واکوی معنای روابط فرازنشویی از دیدگاه افراد متأهل (مطالعه موردی: افراد متأهل دارای تجربه درگیری در رابطه

فرازنشویی شهر تهران)، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۵(۲)، ۱۹۷-۲۱۷.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.388102.671285>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.388102.671285>

۱. مقدمه و بیان مسئله

روابط فرازنشویی^۱ از نظر تاریخی - فرهنگی ریشه در الگوی زنشویی تک‌همسری و رابطه صمیمی دگرجنس‌خواه سنتی دارند. اما معنای مرسوم این روابط در فرهنگ دگرجنس-هنجار مدرن پدیدار شد. در فرهنگ مدرن الگوی تک‌همسری و انحصار جنسی-عاطفی شکلی ایدئال محسوب می‌شوند و در روابط صمیمانه هنجار قلمداد می‌گردند. نگاه غالب در بستر این فرهنگ آنست که اعتماد عنصر ارزشمند رابطه صمیمی بوده و عشق، رابطه جنسی و وفاداری صرفاً در چارچوب تک‌همسری معنادار می‌شود. لذا، بسیاری از افراد روابط فرازنشویی را تأیید نمی‌کنند و رفتار خیانتکارانه را از نظر اخلاقی اشتباه و غیر قابل توجیه می‌دانند (بلاو و هارتنت^۲، ۲۰۰۵: ۲۱۸). بدین‌سان، به‌رغم تغییر بسیاری از انتظارات و تعهدات در روابط صمیمی و زندگی خانوادگی این هنجار فرهنگی مربوط به ازدواج در طول زمان تغییر نکرده (براونینگ، گرین و ویت^۳، ۲۰۰۶؛ به نقل از کمپل و رایت^۴، ۲۰۱۰: ۳۳۱) و همواره ۹۹ درصد از افراد بیان داشتند که از شریک زندگی خود انتظار دارند مقید به انحصار جنسی و عاطفی باشد (تریس و گیسن^۵، ۲۰۰۰: ۵۴)، زیرا روابط فرازنشویی در ازدواج بسیاری از مفروضات اساسی درباره عشق و تعهد را به چالش می‌کشد.

نتایج تحقیق توینگ، شرم و ولز^۶ (۲۰۱۵: ۲۲۷۷) نشان می‌دهد که از دهه هفتاد میلادی تا سال ۲۰۱۲ نگاه سهل‌گیرانه به روابط جنسی پیش از ازدواج، رابطه جنسی نوجوانان و فعالیت جنسی همجنس‌گرایانه روندی افزایشی داشته است؛ در مقابل، پذیرش روابط فرازنشویی جنسی کمتر شده و به طور قابل توجهی از چهار درصد در سال ۱۹۷۳ به یک درصد در سال ۲۰۱۲ کاهش پیدا کرده است. نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه بیانگر آنست که روایت یکسان و پذیرفته‌شده‌ای درباره روابط فرازنشویی در اکثر جوامع وجود دارد؛ بدین معنا که درگیری در این روابط نقض تعهد زنشویی محسوب می‌شود و بیشتر افراد آن را نمی‌پذیرند. با توجه به این انتظار، هزینه‌های درگیری در روابط فرازنشویی به طور بالقوه برای نهاد خانواده، رابطه زنشویی، افراد درگیر و فرزندان جدی خواهد بود. این پیامدهای گسترده روابط فرازنشویی را به یک رفتار اجتماعی مهم (واکر^۷، ۲۰۱۷: ۱۲) و یک پیش‌بینی‌کننده بنیادین برای تعارض‌ها و انحلال زنشویی مبدل ساخته است، چنانکه مجموعه وسیعی از تحقیقات بر پیامدهای منفی این روابط تأکید داشته‌اند.

براساس نتایج این تحقیقات، روابط فرازنشویی برای زوجین بسیار مخرب و دردآور تلقی می‌گردد (سویی و هورویتز^۸، ۲۰۰۱: ۲۹۷)؛ و در عین حال بیشترین آسیب را در رابطه آن‌ها ایجاد می‌کند (کانلی و همکاران^۹، ۲۰۱۲: ۱۵۵۹). به طوری که، اکثر تحقیقات این روابط را شایع‌ترین علت انحلال رابطه زنشویی ذکر کرده‌اند (بتزیگ^{۱۰}، ۱۹۸۹؛ به نقل از لابریسک و ویسمن^{۱۱}، ۲۰۲۰: ۱؛ آلن و اتکینز^{۱۲}، ۲۰۱۲: ۱۲؛ اسکات و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۳: ۱۳۱). البته باید افزود، روابط فرازنشویی نه تنها منشأ تضعیف و تخریب رابطه

۱. در این تحقیق به تناسب متن از کلمات «خیانت» و «رابطه خارج از ازدواج» به عنوان جایگزین کلمه «روابط فرازنشویی» استفاده شده است.

2. Blow & Hartnett
3. Browning, Green & Witte
4. Campbell & Wright
5. Treas & Giesen
6. Twenge, Sherman & Wells
7. Walker
8. Sweeney & Horwitz
9. Conley, Moors, Ziegler & Karathanasis
10. Betzig
11. Labrecque & Whisman
12. Allen & Atkins
13. Scott, Rhoades, Stanley & Markman

زناشویی خواهد بود بلکه بر سلامت روان افراد نیز تأثیر می‌گذارد (هال و فینچام^۱، ۲۰۰۹: ۱۴۳) حتی برخی پژوهشگران از روابط فرازناشویی به‌مثابه یک ترومای روانی^۲ یاد کرده‌اند (اکتر^۳، ۲۰۱۳؛ به نقل از لانرگان و همکاران^۴، ۲۰۲۱: ۱). افزون بر پیامدهای سلامت روان، درگیری در رابطه فرازناشویی جنسی سبب افزایش آسیب‌پذیری در برابر بیماری‌های مقاربتی می‌شود. ماهیت پنهان رابطه فرازناشویی و میزان پایین استفاده از وسایل پیشگیری به هنگام رابطه جنسی، سلامت فرد درگیر را تهدید کرده و به هنگام ابتلاء به بیماری‌های مقاربتی به راحتی به شریک زندگی این افراد منتقل می‌شود (تاونزند و همکاران^۵، ۲۰۱۱: ۱۳۲). همچنین، پی بردن به خیانت شریک زندگی می‌تواند باعث واکنش‌های منفی از جمله خشونت‌های خانگی، افکار خودکشی و یا حتی قتل شود (نمت و همکاران^۶، ۲۰۱۲: ۹۴۲؛ پیچُن و همکاران^۷، ۲۰۲۰: ۲؛ اسنایدر، باوکام و گُردُن^۸، ۲۰۰۸: ۳۰۰؛ وحید، سبزه و ذاکری، ۱۳۹۴: ۱۹۳). با این همه، مونش^۹ (۲۰۱۵: ۴۶۹) اعتقاد دارد بین دیدگاه‌ها، انتظارات و رفتار افراد ناهماهنگی وجود دارد؛ چرا که علیرغم عدم پذیرش گسترده روابط فرازناشویی این روابط نسبتاً شایع و فراگیر هستند. این فراگیری فزاینده در همه جوامع محتمل بوده و به نظر می‌رسد ترجیحات دشوارگیر مرسوم برای داشتن انحصار جنسی - عاطفی در رابطه زناشویی مانع درگیری افراد در این روابط نبوده است، بطوریکه افراد ضمانتی بر دوام روابط خانوادگی و مناسبات عاطفی خود نمی‌بینند. بویژه آنکه، امروزه رسانه‌های ارتباطی برای اکثر مردم به بخشی از زندگی روزمره مبدل گشته و محبوبیت روزافزون آن‌ها چالش‌های جدیدی برای زوج‌های امروزی ایجاد کرده است. واقعیت اینست که برقراری ارتباط آنلاین در رسانه‌های اجتماعی شاید شروع و تداوم روابط بین فردی برای افراد را آسان کرده باشد اما فرصت درگیر شدن در روابط فرازناشویی اینترنتی یا روابط جنسی سایبری را برای افراد دارای روابط متعهدانه افزایش داده است (کریونز، لکی و وایتینگ^{۱۰}، ۲۰۱۳: ۷۵).

برخی پژوهشگران این اختلاف بین دیدگاه و رفتار را به ادراکات و تعاریف متفاوت افراد از رابطه فرازناشویی برمی‌گردانند (متینگلی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۰: ۱۴۶۶). به عبارتی، این پژوهشگران اعتقاد دارند دیدگاه افراد نسبت به رابطه فرازناشویی بستگی دارد به اینکه آن‌ها کدام رفتار را به رابطه فرازناشویی معنی یا تفسیر می‌کنند (مولر و وسلر^{۱۲}، ۲۰۱۵: ۱۳۲). لذا براساس دیدگاه این محققان یکی از مهم‌ترین وجوه روابط فرازناشویی پرداختن به تعریف و تفسیر افراد از این روابط است؛ از جمله اینکه آن‌ها مرزها یا قوانین مربوط به ماهیت تعامل با افراد دیگر خارج از رابطه زناشویی خود را چه چیزی می‌دانند. زیرا، این مرزها ممکن است برای هر زوج و یا حتی هر فرد بسیار متفاوت باشد؛ رفتاری که یکی از طرفین به عنوان تفریح بی‌ضرر تعریف می‌کند دیگری ممکن است به عنوان رابطه فرازناشویی درک کند (مرکل و ریچاردسون^{۱۳}، ۲۰۰۰؛ به نقل از مایلهم^{۱۴}، ۲۰۰۷: ۱۴). بدین ترتیب، زوجین ممکن است به دلیل درک

1. Hall & Fincham
2. Psychological Trauma
3. Akhtar
4. Lonergan, Brunet, Rivest-Beauregard & Groleau
5. Townsend, Jewkes, Mathews, Johnston, Flisher, Zembe & Chopra
6. Nemeth, Bonomi, Lee & Ludwin
7. Pichon, Treves-Kagan, Stern, Kyegombe, Stöckl & Buller
8. Snyder, Baucom, & Gordon
9. Munsch
10. Cravens, Leckie & Whiting
11. Mattingly, Wilson, Clark, Bequette & Weidler
12. Vossler & Moller
13. Merkle and Richardson
14. Mileham

متفاوتی که از رابطه فرازنشویی دارند در مورد وقوع آن اختلاف نظر داشته باشند (فایف، ویکس و گامبشیا^۱، ۲۰۰۸: ۳۱۸). براساس نتایج این تحقیقات اینکه افراد چه تعریفی از روابط فرازنشویی دارند و آنرا چگونه تفسیر می‌کنند پیش‌بینی‌کننده درگیری افراد در این روابط خواهد بود (مارک، جانسن و میلوسن^۲، ۲۰۱۱: ۹۷۱؛ جکمن^۳، ۲۰۱۵: ۷۴).

در این راستا، هدف پژوهش حاضر فهم دیدگاه افراد متأهل شهر تهران درباره معنای روابط فرازنشویی است. این تحقیق، با توجه به اطلاعات محدود درباره میزان شیوع روابط فرازنشویی ناگزیر با تفسیر بررسی مسأله‌ای چون طلاق، برآنست که نشانی از مسأله روابط فرازنشویی در تحقیقات حوزه خانواده بیاید. در چند دهه اخیر، رشد بی‌وقفه نرخ طلاق در شهر تهران موجب شده که به علت-کاوی این مسأله بیش از دیگر مسائل خانوادگی پرداخته شود. بدین ترتیب، معاون امور اجتماعی بهزیستی استان تهران روابط فرازنشویی را یکی از سه دلیل اصلی طلاق در سال ۱۳۹۷ نقل کرده است (موقر، ۱۳۹۷). همچنین، در گزارشی دیگر رئیس سازمان روانشناسی کشور این روابط را یکی از دلایل اصلی طلاق دانسته است (فتیحی آشتیانی، ۱۴۰۳). گزارش‌های که با نتایج تحقیقات زوج‌درمانگرهای مراکز ازدواج و طلاق در تهران هم‌خوانی دارد، زیرا نتایج تحقیقات این مراکز نشان‌دهنده آنست که حدود هشتاد درصد طلاق‌ها به موجب روابط فرازنشویی بوده است (رجبی، ۱۳۹۸؛ رافعی، ۱۴۰۰).

نتایج بررسی عوامل طلاق در شهر تهران بیانگر آنست که دست‌کم به ظاهر ناهماهنگی بین دیدگاه و رفتار افراد درباره روابط فرازنشویی وجود دارد. از یک سو، همانطور که پیش‌تر گفته شد اکثر افراد رابطه فرازنشویی را غیراخلاقی و ناپه‌نجان می‌دانند، اما از سوی دیگر نتایج تحقیقات بیانگر شیوع نسبی این روابط در میان زوجین است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد بررسی دیدگاه افرادی که تجربه درگیری در رابطه فرازنشویی را داشته‌اند می‌تواند درک دقیق‌تری از این مسأله به ما بدهد. لذا در راستای این هدف، تحقیق حاضر این پرسش‌ها را پاسخ خواهد داد که این افراد چگونه روابط فرازنشویی را تعریف و تفسیر می‌کنند؟ تعریف و تفسیر آن‌ها از روابط فرازنشویی چگونه سبب درگیری‌شان در این روابط شده است؟ و در نهایت به تفاوت‌های بین دیدگاه زنان و مردان متأهل درباره روابط فرازنشویی پرداخته خواهد شد. پاسخ به این پرسش‌ها نه تنها امکان فهم عمیقی از نحوه تفسیر و معنابخشی روابط فرازنشویی از دید این افراد را فراهم می‌آورد، بلکه به توضیح دلایل فردی و اجتماعی درگیر شدن در چنین روابطی کمک خواهد کرد.

۲. پیشینه تجربی

برخی پژوهشگران اعتقاد دارند روابط فرازنشویی را نیاپستی امری ثابت پنداشت بویژه آنکه امروزه گسترش رسانه‌های ارتباطی زمینه طیف گسترده‌ای از این روابط را فراهم آورده‌اند (پرل^۴، ۲۰۱۷: ۱۳). از سوی دیگر، این روابط برای افراد معانی متفاوتی دارند و هر فرد ممکن است این روابط را متفاوت تعریف کند (بلاو، هارتنت، ۲۰۰۵: ۱۸۴). بدین ترتیب، آنچه در یک رابطه رفتار خیانتکارانه محسوب می‌شود ممکن در رابطه دیگر چنین تعریفی نداشته باشد (مونش، ۲۰۱۲: ۴۶). زیرا افراد در تعریف هنجارهای اجتماعی پیرامون رفتارها انعطاف‌پذیر بوده و حتی گاهی با ارائه تعریفی متفاوت اتهام رفتار خیانت‌کارانه از رابطه خود را رد می‌کنند (مولر و وسلر، ۲۰۱۵: ۱۷). لذا بررسی دیدگاه افراد بویژه کسانی که تجربه درگیری در این روابط را داشته‌اند درباره معنای این روابط می‌تواند فهم عمیقی از نحوه درک این افراد از رابطه فرازنشویی ارائه دهد.

1. Fife, Weeks & Gambescia
2. Mark, Janssen & Milhausen
3. Jackman
4. Perel

تحقیق مایلهام (۲۰۰۷) از معدود پژوهش‌های است که به بررسی دیدگاه افراد متأهل درگیر در رابطه فرازنشویی مجازی درباره این نوع روابط پرداخته است. براساس نتایج این تحقیق افراد متأهل با عقلانی‌سازی رفتار خود اعتقاد داشتند که رابطه آن‌ها خیانت نبوده است. مایلهام اعتقاد دارد عقلانی‌سازی رفتاری، استدلالی را بیان می‌کند که به موجب آن افراد رفتارهای آنلاین خود را با وجود پنهان‌کاری و ماهیت جنسی آن‌ها ساده و بی‌ضرر تعریف می‌کنند. آن‌ها اعتقاد داشتند از آنجایی که هیچ تماس فیزیکی در رابطه آن‌ها وجود نداشته و صرفاً یک ارتباط آنلاین بوده پس رفتار آن‌ها خیانت نبوده است (مایلهام، ۲۰۰۷: ۲۴-۲۱). در مطالعه‌ای دیگر هنلین، لامکه و هوارد^۱ (۲۰۰۷: ۱۲۳-۱۲۶) به واکاوی روابط فرازنشویی آنلاین بین دانشجویان پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اکثر افراد روابط فرازنشویی عاطفی آنلاین را ناراحت‌کننده‌تر از روابط آنلاین جنسی می‌دانستند زیرا اعتقاد داشتند رابطه آنلاین عاطفی پتانسیل بیشتری برای تماس رو در رو و آمیزش جنسی با شریک آنلاین دارد و به افراد این امکان را می‌دهد که در مدت زمان نسبتاً کوتاهی حس صمیمیت قوی با دیگران ایجاد کنند. هرچند این افراد اعتقاد داشتند هر نوع فعالیت آنلاین را نمی‌توان رابطه فرازنشویی در نظر گرفت.

تحقیق اشنایدر، وایز و سیم‌ناو^۲ (۲۰۱۲: ۱۳۶-۱۳۸) به بررسی افراد خیانت‌دیده‌ای پرداخته است که همسر آن‌ها درگیر رابطه فرازنشویی آنلاین بودند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد افراد مورد بررسی رابطه فرازنشویی را خیانت به اعتماد خود تعریف کرده‌اند. بنابراین، اگرچه رفتارهای جنسی همسر محدود به فضای آنلاین بود اما آن‌ها اعتماد خود به همسرشان را از دست داده بودند و علیرغم ادعای همسر مبنی بر عدم تماس فیزیکی احساس خیانت و قربانی بودن می‌کردند. افراد مورد بررسی این تحقیق بر این باور بودند که درگیری همسر در رابطه فرازنشویی باعث ایجاد درد عمیق در آنها نشده است، بلکه دروغ‌گویی، انکار واقعیت و ناتوانی در حفظ اعتماد را دلیل اصلی داشتن این درد عمیق ذکر کردند.

در یک مطالعه کیفی دیگر مولر و وسلر (۲۰۱۵: ۴۹۴-۴۹۱) دیدگاه زوج‌های دگرجنس‌گرا درباره روابط فرازنشویی را از طریق مصاحبه با زوج درمانگران مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد رابطه فرازنشویی به مثابه آمیزش جنسی واقعی‌ترین شکل خیانت شناخته می‌شود اما این نوع رابطه از دیدگاه مراجعه‌کنندگان تعریف یکسانی نداشته است. بطوریکه، برداشت شخصی فرد درگیر در رابطه فرازنشویی جنسی اغلب با شریک زندگی‌اش متفاوت بوده است. همچنین، نتایج تحقیق تامپسون و اوسالیوان^۳ (۲۰۱۶: ۹۱۰) در بررسی افرادی که تجربه رابطه فرازنشویی داشتند نشان می‌دهد اگرچه این افراد رابطه خارج از ازدواج خود را نقض تعهد زنشویی می‌دانستند اما آن‌ها اعتقاد داشتند رفتارهای جنسی/آشکار بیشترین میزان خیانت را شامل می‌شود، در حالی که سایر انواع رفتارها همچون رفتارهای مجازی / آنلاین، رفتارهای عاطفی / محبت‌آمیز به میزان کمتری شامل خیانت می‌شوند. در تحقیقی دیگر از تامپسون و همکاران^۴ (۲۰۱۷: ۱۰۴-۱۰۶) نشان داده شده است که افراد رفتارهای فرارابطه‌ای آنلاین و آفلاین را نقض مرزهای رابطه صمیمی می‌دانسته‌اند.

یافته‌های تحقیق تانگ بیانگر آنست که افراد رابطه فرازنشویی را امری شدیداً ذهنی توصیف می‌کنند که بایستی بر اساس قرارداد رابطه فرد با شریک زندگی‌اش تعریف شود (تانگ^۵، ۲۰۱۹: ۲۲). در پژوهشی دیگر تاپا، یانگ و نگت^۶ (۲۰۱۹: ۴-۵) ادراک نوجوانان را

1. Henline, Lamke & Howard
2. Schneider, Weiss & Samenow
3. Thompson & O'Sullivan
4. Zimmerman, Kulibert & Moore
5. Tang
6. Thapa, Yang & Nget

در مورد روابط فرازنشویی جنسی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که این افراد طرفدار درگیری مردان در روابط فرازنشویی بودند و آنرا اشتباه نمی‌دانستند. آن‌ها بر این باور بودند که داشتن رابطه جنسی با چندین زن به معنای بد بودن مردان نیست و این را با تمایلات جنسی غیرقابل کنترل مردان مرتبط می‌دانستند. همچنین، وسلر و مولر در مطالعه‌ای دیگر (۲۰۲۰: ۱۶) دیدگاه افراد خیانت‌دیده درباره روابط فرازنشویی آنلاین را مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس نتایج این تحقیق افراد خیانت‌دیده تعریف چند وجهی از روابط فرازنشویی آنلاین دارند که نه تنها شامل رابطه جنسی و عاطفی خارج از ازدواج می‌شود بلکه پنهان کاری، فریب و بی‌وفایی را دربرمی‌گیرد. براساس نتایج مطالعه آلكسوپولوس^۱ (۲۰۲۱: ۱۵-۱۷) گرچه افراد روابط فرازنشویی خود را نقض مرزهای رابطه می‌دانستند اما از طریق استراتژی‌های چون تغییر خودپنداره، تغییر نگرش، بی‌اهمیت جلوه دادن و انکار مسئولیت پیامدهای روانشناختی منفی خیانت را برای خود کاهش می‌دادند. و در نهایت، نتایج تحقیق بوزویان و اشمیدبرگ^۲ (۲۰۲۳) در جامعه آلمان نشان می‌دهد افراد رفتارهای آشکار چون رفتار جنسی، درگیری عاطفی، مدت زمان طولانی درگیری در رابطه و روابط آنلاین عاشقانه را رابطه فرازنشویی دانسته‌اند و نگرش مثبتی نسبت به آن‌ها نداشتند. بدین ترتیب، مرور نظام‌مند مطالعات خارجی حاکی از آن است که اگرچه برخی تحقیقات به واکاوی معنا و تفسیر روابط فرازنشویی پرداخته‌اند، اما بخش عمده‌ای از این تحقیقات از منظر افرادی انجام شده است که خود تجربه درگیری در روابط فرازنشویی را نداشتند. از سوی دیگر، معدود پژوهش‌هایی که دیدگاه افراد با تجربه درگیری در رابطه فرازنشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند، عمدتاً محدود به بررسی اشکال مجازی رابطه فرازنشویی بوده و رابطه فرازنشویی در بستر واقعی یا روابط غیرمجازی را نادیده گرفته‌اند.

از سوی دیگر، مرور تحقیقات داخلی انجام شده در حوزه روابط فرازنشویی نشان می‌دهد بررسی کیفی دیدگاه افراد متأهل درباره معنای روابط فرازنشویی در این تحقیقات مورد توجه قرار نگرفته است. بررسی‌ها بیانگر آنست که صرفاً تعدادی از تحقیقات به صورت کمی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر نگرش افراد نسبت به روابط فرازنشویی پرداخته‌اند. پژوهش نظری و همکاران (۲۰۲۴)، علیوردی-نیا و همکاران (۱۴۰۲)، روشنائی (۲۰۲۲)، اسکندری و پرندین (۱۴۰۱)، وجدانی و همکاران (۱۳۹۹)، عباس‌زاده و همکاران (۲۰۱۹)، پیرزاده و همکاران ۱۳۹۸، یوسفی و همکاران (۱۳۹۶) از جمله مطالعاتی بودند که طی یک دهه اخیر در زمینه عوامل تأثیرگذار بر نگرش افراد نسبت به روابط فرازنشویی به انجام رسیده‌اند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو با رویکردی کیفی به بررسی نحوه تفسیر و معنابخشی افراد متأهل شهر تهران درباره روابط فرازنشویی پرداخته است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش افراد متأهل درگیر در روابط فرازنشویی ساکن شهر تهران بودند. این افراد بایستی حداقل یک‌بار تجربه درگیری در یکی از روابط فرازنشویی جنسی، عاطفی یا جنسی-عاطفی در فضای واقعی یا مجازی را می‌داشتند. برای دسترسی به افراد مورد بررسی با چند فرد مطلع در حوزه روابط فرازنشویی^۳ گفتگو صورت گرفت. همچنین بعد از اتمام مصاحبه از مشارکت‌کنندگان

1. Alexopoulos
2. Bozoyan & Schmiedeberg

۳. در این پژوهش از روانشناسان و مشاوران حقوقی خانواده که به واسطه تخصص خود در ارتباط با افراد درگیر در روابط فرازنشویی بودند کمک گرفته شده است. از آن‌ها خواسته شد که نه تنها افراد متأهل درگیر در روابط فرازنشویی، بلکه افراد مطلع دیگری را که امکان دسترسی به افراد مورد نظر را دارند به محقق معرفی نمایند.

درخواست شد در صورت تمایل و البته رضایت متقابل، افراد درگیر در روابط فرازنشویی را که می‌شناسند به محقق معرفی نمایند. پژوهشگر به افراد مطلع و حتی مشارکت‌کنندگانی که در معرفی افراد دیگر یاری کردند یادآور شده بود که ضرورتی به ذکر نام اصلی آن‌ها نیست. همچنین، در جریان مصاحبه مشارکت‌کنندگان می‌توانستند هر نامی که دوست داشتند برای خود یا افرادی که تصور می‌کردند ذکر نام آن‌ها ضروری است انتخاب نمایند. در ابتدای مصاحبه فرم رضایت‌نامه مشارکت در تحقیق که کد مشارکت‌کننده روی هر برگه آن درج شده بود در اختیار این افراد قرار می‌گرفت که آن‌را امضاء نمایند. البته امضای فرم رضایت‌نامه اختیاری بوده و صرفاً به مشارکت‌کننده یادآوری شد. از پیش به تمامی مشارکت‌کنندگان این یادآوری صورت گرفت که صدای ایشان ضبط خواهد شد، هرچند اطمینان خاطر داده می‌شد که بعد از پیاده کردن متن مصاحبه، صدای ضبط شده حذف می‌گردد. مصاحبه‌ها در مکان‌های انتخاب‌شده توسط مشارکت‌کنندگان انجام گرفت آن‌ها می‌توانستند از پاسخ دادن به هر سوالی که تمایلی به جواب دادن به آن نداشتند خودداری کنند و یا در هر زمان که بخواهند مصاحبه را خاتمه دهند. در نهایت، لازم است یادآوری شود به موجب نحوه دسترسی به مشارکت‌کنندگان تحقیق عمده این افراد، مراجعه‌کنندگان دفاتر مشاوره حقوقی و یا مراکز مشاوره شهر تهران بودند. با توجه به شیوه گردآوری داده، مشارکت‌کنندگان الزاماً مربوط به منطقه خاصی از تهران نبودند هرچند افرادی که خود مشارکت‌کنندگان معرفی می‌کردند تا حدودی به لحاظ جنسیت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی با فرد معرف همگنی داشتند. روند انجام مصاحبه‌ها تا اشباع نظری ادامه یافت. در این پژوهش، با اینکه اشباع نظری در مصاحبه پانزدهم رخ داد اما به دو دلیل مصاحبه‌ها ادامه یافت، یکی اینکه اطمینان حاصل آید که داده‌های جدیدی در ارتباط با تم‌ها و روابط بین آن‌ها پدید نمی‌آید و دوم با توجه به اینکه مشارکت‌کنندگان هر دو جنسیت (مردان و زنان) را در بر می‌گرفت، بویژه آنکه تفاوت معنا و تفسیر این دو از روابط فرازنشویی یکی از پرسش‌های تحقیق بود سعی بر آن شد که توزیع همگنی براساس جنسیت در تحقیق وجود داشته باشد. بر این اساس، با هجده فرد متأهل درگیر در روابط فرازنشویی (۹ مرد و ۹ زن) مصاحبه صورت گرفت. در جدول شماره (۱) ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان نمایش داده شده است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کننده	جنسیت	سن	سن ازدواج	سابقه ازدواج	نوع رابطه ^۱	مدت زمان آخرین رابطه فرازنشویی	تعداد روابط	وضعیت کنونی زندگی
مشارکت‌کننده ۱	زن	۳۳	۴	-	جنسی	-	-	در حال طلاق
مشارکت‌کننده ۲	زن	۴۳	۱۵	-	جنسی/عاطفی	۶ ماه	۱	در حال طلاق
مشارکت‌کننده ۳	مرد	۳۴	۵	-	جنسی/عاطفی	-	۲	در حال طلاق
مشارکت‌کننده ۴	زن	۴۸	۲۷	-	جنسی/عاطفی	بیشتر از یکسال	۱	ادامه زندگی
مشارکت‌کننده ۵	زن	۳۹	۱۰	-	جنسی/عاطفی	حدوداً ۹ ماه	۱	ادامه زندگی
مشارکت‌کننده ۶	زن	۲۱	۴	-	جنسی/عاطفی	۴ سال	۱	در حال طلاق
مشارکت‌کننده ۷	زن	۲۴	۳	-	عاطفی	بیشتر از یکسال	۱	در حال طلاق
مشارکت‌کننده ۸	مرد	۵۱	۲۴	-	جنسی/عاطفی	۲ سال	۲	در حال طلاق
مشارکت‌کننده ۹	زن	۳۶	۹	-	جنسی	-	۱	ادامه زندگی
مشارکت‌کننده ۱۰	مرد	۳۵	۴	-	جنسی/عاطفی	۱ سال	۱	در حال طلاق

۱. دسته‌بندی مشارکت‌کنندگان براساس نوع درگیری در روابط فرازنشویی، بنابر گزارش خود مشارکت‌کنندگان تحقیق صورت گرفته است.

مشارکت کننده	جنسیت	سن	سن ازدواج	سابقه ازدواج	نوع رابطه ^۱	مدت زمان آخرین رابطه فراژناشویی	تعداد روابط	وضعیت کنونی زندگی
مشارکت کننده ۱۱	مرد	۴۲	۱۸	-	عاطفی	-	۱	ادامه زندگی
مشارکت کننده ۱۲	مرد	۵۱	۱۳	ازدواج مجدد	جنسی/عاطفی	-	۲	در حال طلاق
مشارکت کننده ۱۳	مرد	۳۰	۳		جنسی	حدوداً ۸ ماه	۱	در حال طلاق
مشارکت کننده ۱۴	زن	۴۰	۵	ازدواج مجدد	جنسی/عاطفی		۲	در حال طلاق
مشارکت کننده ۱۵	مرد	۵۳	۲۵		جنسی/عاطفی	نزدیک به دو سال	۱	ادامه زندگی
مشارکت کننده ۱۶	زن	۳۹	۱۲		جنسی/عاطفی	۷ ماه	۱	ادامه زندگی
مشارکت کننده ۱۷	مرد	۳۱	۳		جنسی		-	در حال طلاق
مشارکت کننده ۱۸	مرد	۴۲	۶		جنسی		-	ادامه زندگی

در تحقیق حاضر، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و فرایند گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفته است. همزمان با گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق تحلیل تماتیک به صورت فرایندی انجام شد. تحلیل تماتیک، فرایندی مبتنی بر استقرای تحلیلی است. در این تحلیل، داده‌های متنی کدگذاری و تحلیل می‌شوند و تا شناخت الگوهایی از معانی و مضامین در داده‌ها ادامه می‌یابد. فرایند انتخاب تم‌ها بدین صورت بود که هر مصاحبه ضبط شده ابتدا به صورت متن پیاده می‌شد، سپس متن هر مصاحبه مورد مطالعه قرار گرفته و به این صورت اولین تم‌ها استخراج شدند؛ تم‌های مقدماتی تا حد امکان انعکاس‌دهنده کلمات مشارکت‌کنندگان بود. در مراحل بعدی تم‌های مقدماتی تحقیق مورد بحث قرار گرفته و براساس تفاوت و شباهت‌ها دسته‌بندی شدند. این فرایند با ارزیابی و مرور تم‌های به دست آمده ادامه داشت تا اینکه در نهایت درباره نام‌گذاری تم‌های اصلی پژوهش توافق حاصل آمد.

برای اعتباریابی داده‌ها از دو روش تکنیک ممیزی و اعتباریابی از سوی اعضاء استفاده شده است. در روش نخست در همه مراحل تحلیل از افراد متخصص که عمدتاً در موضوع مورد بررسی و البته تحلیل کیفی تخصص داشتند یاری گرفته شد. سپس، در روش دوم یافته‌های پژوهش در اختیار مشارکت‌کنندگان گذاشته شد و از آنها درخواست شد که درباره هر گونه اضافات، حذفیات، خطا یا صحت تفسیر محقق از روایات خودشان اظهار نظر کنند.

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش که در این بخش ارائه شده است حاصل مصاحبه نیمه ساختاریافته با افراد متأهلی بود که تجربه درگیری در روابط فرازنشویی را داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان این پژوهش را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول افرادی بودند که تا زمان مصاحبه رابطه فرازنشویی افشاء نشده بود و برخی از این افراد هنوز درگیر رابطه بودند؛ اما گروه دوم مشارکت‌کنندگانی بودند که در زمان مصاحبه رابطه افشاء شده و تعدادی از ایشان در حال طلاق بودند. حاصل تحلیل داده‌های تحقیق پنج تم اصلی شامل تقلیل روابط فرازنشویی به آمیزش جنسی، ناچیزانگاری روابط فرازنشویی، رابطه فرازنشویی به مثابه یک توافق ضمنی، همه‌گیرپنداری روابط فرازنشویی و بی‌اعتبارسازی وفاداری زنشویی بوده است. در ادامه تحلیل این تم‌ها همراه با نقل‌قول‌های برگرفته از مصاحبه مشارکت‌کنندگان ارائه شده است.

۴-۱. تقلیل روابط فرازنشویی به آمیزش جنسی

برخی از مشارکت‌کنندگان زن و مرد رابطه فرازنشویی خود را رابطه فرازنشویی عاطفی و برخی دیگر رابطه فرازنشویی جنسی تعریف کردند؛ با این حال این افراد بیان داشتند آمیزش جنسی در رابطه آن‌ها وجود نداشته است. بررسی روایت‌ها نشان می‌دهد تأکید این افراد بر نداشتن آمیزش جنسی با شریک^۱ بدین دلیل است که آن‌ها اعتقاد داشتند دیگر مصادیق رابطه فرازنشویی جنسی چون بوسیدن، لمس کردن، معاشقه کردن، گفتگوهای جنسی، یا فعالیت‌های جنسی آنلاین چون دوستیابی آنلاین، معاشقه آنلاین، رد و بدل کردن عکس و تصاویر جنسی در فضای مجازی و یا روابطی با مشخصات غیرجنسی با فرد یا افرادی غیر از همسر قانونی اگرچه رابطه فرازنشویی هستند اما مصداق «رابطه فرازنشویی واقعی» دانسته نمی‌شوند. نقل قول‌های زیر نمونه‌ای از توصیف‌های است که این افراد درباره رابطه فرازنشویی خود ارائه داده‌اند:

مشارکت‌کننده کد (۱۱) «خب شاید به یه معنا رابطه من خیانت باشه اما به نظرم باید فرق گذاشت ما یه رابطه بد و یه رابطه خوب داریم بین این دوتا تفاوت هست به نظر خودم من رابطه بدی نداشتم».

یا به عنوان مثال، مشارکت‌کننده کد (۷) رابطه فرازنشویی خود را چنین توصیف کرد:

مشارکت‌کننده کد (۷) «رابطه من یه جورایی اون خیانت واقعی نبوده».

همچنین مشارکت‌کننده کد (۸) در تعریفی مشابه عنوان داشت:

مشارکت‌کننده کد (۸) «به نظر من معنی واقعی خیانت رابطه جنسی جدی داشتن با یه نفر دیگه است».

این مشارکت‌کننده در پاسخ به پرسش «رابطه جنسی جدی داشتن یعنی چه؟» پاسخ داد:

مشارکت‌کننده کد (۸) «منظورم آمیزش جنسی دیگه، اینکه به غیر از همسر خودت بری این رابطه رو با یه کس دیگه‌ای داشته باشی».

یا به عنوان مثال، مشارکت‌کننده کد (۵) رابطه فرازنشویی را چنین تعریف کرد:

مشارکت‌کننده کد (۵) «خیانت به اون معنا تعریفش مشخصه یعنی رابطه جنسی داشتن».

همانطور که در روایت این مشارکت‌کنندگان دیده می‌شود در نقل قول آن‌ها عباراتی چون «رابطه فرازنشویی واقعی»، «رابطه فرازنشویی بد» و یا «رابطه فرازنشویی به اون معنا» وجود داشتند، عباراتی که بیانگر دوگانه‌نگری آن‌ها نسبت به روابط فرازنشویی بود.

۱. منظور از شریک، فردی است که مشارکت‌کنندگان این پژوهش خارج از رابطه زنشویی با ایشان ارتباط داشته‌اند.

بنابراین، از گزارش این مشارکت‌کنندگان می‌توان دسته‌بندی زیرعنوان «رابطه فرازنشویی خوب/ بد» یا «رابطه فرازنشویی واقعی/ غیرواقعی» استنباط کرد. براساس تفسیر این افراد رابطه فرازنشویی بد که می‌توان آن را از دیدگاه ایشان خیانت واقعی هم دانست رابطه جنسی داشتن با فردی غیر از همسر قانونی است. به عبارتی، این مشارکت‌کنندگان تأکید بر تعریف رابطه فرازنشویی به مثابه آمیزش جنسی داشتند. بررسی روایت‌ها نشان می‌دهد این افراد براساس دوگانه‌نگری به روابط فرازنشویی توجیهاتی بیان کردند که از طریق آن‌ها تلاش داشتند رفتار خیانت‌آمیز خود را کم‌اهمیت جلوه داده و از این طریق برچسب غیرقابل قبول بودن یا غیر اخلاقی بودن را از آن بردارند. بدین معنا که این مشارکت‌کنندگان با ارائه توجیهاتی که بر تأثیر مثبت رابطه فرازنشویی تأکید دارند سعی کردند رفتار خیانت‌آمیز خود را از برچسب‌های منفی دور کرده و آن را یک تجربه مثبت و رویداد منفعت‌آور برای رشد و بهبود رابطه نشان دهند. از جمله اینکه مدعی شدند به صورت کاملاً تصادفی و بدون برنامه‌ریزی درگیر رابطه فرازنشویی شده‌اند بر این اساس رابطه زنشویی، همسر و خانواده همواره اولویت اصلی آن‌ها محسوب می‌شوند و این رابطه تهدیدی برای خانواده یا رابطه اصلی‌شان به حساب نمی‌آید. همچنین، اعتقاد داشتند که تجربه رابطه فرازنشویی به نوعی موجب تنوع و تازگی در رابطه زنشویی آن‌ها شده و در عین حال، باعث افزایش رضایت شخصی و حتی رضایت در رابطه اصلی‌شان شده است. زیرا رابطه زنشویی‌شان به روزمرگی دچار شده و این تجربه جدید به نوعی روح تازه‌ای به زندگی زنشویی‌شان داده و انرژی مثبت به آن‌ها بخشیده است. بر این مبنا، این گروه از مشارکت‌کنندگان رابطه فرازنشویی را به عنوان یک تجربه مثبت و غیرتهدیدآمیز برای رابطه اصلی خود تعریف می‌کردند.

۴-۲. ناچیزانگاری روابط فرازنشویی

برخی مشارکت‌کنندگان زن و مرد بیان داشتند که هنجارها و معیارهای اخلاقی رایج حول روابط فرازنشویی اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر رفتار افراد است و وجود این چارچوب‌های محدودکننده با تأکید فزاینده بر قرار گرفتن افراد در روابط خاص و از پیش تعریف شده مشخصه یک جامعه سنتی و بسته است که حریم شخصی افراد را نادیده می‌گیرد. این مشارکت‌کنندگان با بهره‌گیری از راهبردی فراقانونانه، نگاه اجتنابی درباره هر گونه رابطه نزدیک بین دو جنس و نابرداری در برابر روابط خارج از چارچوب تعریف شده اجتماعی را ویژگی بستر فرهنگی و اجتماعی جامعه سنتی توصیف می‌کردند و با بی‌تفاوتی نسبی به هنجارها و محدودیت‌های اخلاقی پیرامون روابط فرازنشویی ادعا داشتند وجود چنین روابطی چندان امر پیچیده و جدی نبوده و دلایلی چون کنجکاوی، کسب لذت، همراهی با دوستان ممکن است سبب درگیری هر فرد در روابط فرازنشویی شود. بررسی روایت این گروه از مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که بیشترین تأکید آن‌ها بر سنتی دانستن معیارهای اخلاقی مرسوم جامعه بوده است. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان مرد (کد ۱۸) با سنتی و بسته توصیف کردن جامعه ادعا داشت که وجه سرگرمی و گذرا بودن روابط فرازنشویی دال بر بی‌اهمیت بودن این روابط است. این مشارکت‌کننده با تقلیل این نوع روابط به یک انتخاب فردی بیان داشت:

مشارکت‌کننده کد (۱۸) «این رابطه بیشتر برا من فان بوده، از نظر من به جور خوش گذراندن وقت با دوستان هر از گاهی که باهاشون هستی».

این مشارکت‌کنندگان با تفکیک رابطه جنسی از روابط عمیق عاطفی و عاشقانه تجربه رابطه خارج از ازدواج جنسی خود را تجربه سطحی و گذرا توصیف می‌کردند. همچنین یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان مرد (کد ۱۷) بیان کرد که به دلیل کنجکاوی تمایل داشته است که تجربه روابط جنسی دیگری داشته باشد. وی گذرا و موقتی بودن را دلیلی بر غیرجدی بودن این روابط عنوان کرد:

مشارکت‌کننده کد (۱۷) «آخه رابطه‌های موقتی بودند. برا این به نظرم اونا را همیشه چیز خاصی تلقی کرد به جور روابط ساده»

این مشارکت‌کننده در تشریح ساده و طبیعی عنوان کردن رابطه فرازنشویی چنین اعتقاد داشت پیامد تعریف‌های تنگ‌نظرانه از روابط نه تنها سبب انزوا و دوری افراد از هم خواهد شد، بلکه بدینی فزاینده در روابط بین فردی را به همراه خواهد داشت. این مشارکت‌کننده در ادامه با معیار قرار دادن تجربه شخصی خود بیان داشت که این نوع دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه معمولاً تأکید بر اثرات منفی رابطه فرازنشویی بر رابطه زنشویی دارد؛ درحالی‌که تجربه‌اش نشان می‌دهد که درگیری در رابطه فرازنشویی اثرگذاری مشهودی به معنای بدتر شدن بر رابطه زنشویی وی نداشته است. این مشارکت‌کنندگان مرد دلیل بی‌اهمیتی رابطه فرازنشویی خود را عاری از احساس صمیمیت بودن می‌دانستند و ادعا داشتند همواره رابطه احساسی عمیقی با همسر خود دارند و از نظر عاطفی به همسرشان متعهد هستند.

برخی مشارکت‌کنندگان زن هم با اشاره به تعداد دفعات و یا مدت زمان درگیری در رابطه فرازنشویی، درگیری کوتاه‌مدت و یا تجربه یک بار درگیری در رابطه فرازنشویی را امری نه چندان مهم ارزیابی می‌کردند. مشارکت‌کننده کد (۹) گزارش کرد که تنها یکبار تجربه درگیری در رابطه فرازنشویی را داشته است. وی بیان داشت طی یک سفر کاری با شریک آشنا شده و با وی رابطه جنسی داشته است هرچند بعد از اتمام سفر رابطه را قطع کرده و بعد از آن حتی اطلاعی از شریک ندارد. این مشارکت‌کننده تجربه یکبار درگیر شدن در رابطه فرازنشویی را امری اتفاقی، نه چندان مهم و «ممکن است برای هر کسی پیش بیاید» توصیف کرد. وی چنین روایت کرد:

مشارکت‌کننده کد (۹): «من فقط به بار تجربه کردم بعضی وقتا پیش میاد دیگه، یعنی برای هرکسی ممکنه پیش بیاد، الان که دارم نگاه می‌کنم به جور اتفاق بوده، وارد صحبت شدیم، بعدش اصلاً جوری شد به رابطه جنسی و تموم شد؛ خب ادامه هم پیدا نکرد همون به دفته بود، ولی تو اون موقعیت به جوری شد درگیر شدم دیگه».

نکته قابل توجه در روایت این مشارکت‌کننده آن بود که وی ادعا داشت هدف اولیه‌اش نه داشتن رابطه جنسی با شریک بلکه صرف داشتن به تعامل ساده بوده است اما در جریان تعامل با شریک به طور ناخواسته درگیر رابطه جنسی شده‌اند. این مشارکت‌کننده غیرهدفمند بودن تعامل اولیه با شریک و ناخواسته بودن درگیر شدن در رابطه فرازنشویی جنسی را دلیل دیگری بر ناچیز و بی‌اهمیت دانستن رابطه خود می‌دانست؛ بویژه آنکه وی ادعا داشت بعد از آن تجربه به طور کامل رابطه با شریک را قطع کرده و دیگر هیچگاه وارد رابطه دیگری نشده است.

۴-۳. رابطه فرازنشویی به مثابه یک توافق ضمنی

این تم صرفاً از روایت برخی از مشارکت‌کنندگان زن حاصل آمده است. از روایت این مشارکت‌کنندگان چنین بر می‌آید که این افراد و همسرانشان به تدریج با آگاهی ضمنی از درگیری یکدیگر در رابطه فرازنشویی با آن کنار آمده و به نوعی آنرا پذیرفته‌اند. به عبارتی، روایت این مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که گاهی زوجین به نوعی توافق دوجانبه ضمنی و بیان نشده بین خود رسیده‌اند؛ توافق بر نادیده گرفتن رابطه گاه به گاه همدیگر با افراد دیگر. در این مورد مشارکت‌کننده کد (۱۴) چنین روایت کرد:

مشارکت‌کننده کد (۱۴) «هر دو تامون می‌دونستیم اون یکی به روابطی داره ولی به جورایی به رو خودمون نمی‌آوردیم انگار به قرار می‌بینمون بود که تو درباره زندگی خصوصی من چیزی نگو تا من هم رابطه تو رو ندید بگیرم و حرفی نزنم».

مشارکت‌کننده دیگری که در روایت خود به آگاهی ضمنی همسر از رابطه خود اشاره داشت، مشارکت‌کننده کد (۶) بود. این مشارکت‌کننده عنوان کرد با ورود به زندگی زنشویی رابطه پیش از ازدواج خود را بعد از گذشت مدتی از زندگی زنشویی دوباره ادامه داده است. وی گسیختگی خانوادگی و ناامنی اقتصادی را دلیل اصلی ازدواج با همسرش ذکر کرده و اعتقاد داشت از ابتدای زندگی

زنشویی تعامل صمیمی با همسر نداشته اما به دلایلی در این پیوند شکننده و ناپایدار باقی مانده است. گزارش این مشارکت‌کننده نشان می‌دهد این زوج اگرچه هیچگاه رابطه عمیق و صمیمی با هم نداشتند اما بواسطه نادیده گرفتن و بی‌توجهی به برخی از مسائل آگاهانه از تنش دوری کرده بودند. برای مثال، وی بیان کرد حتی حس کنجکاو برای سر درآوردن از جزئیات رابطه خارج از ازدواج همدیگر را نداشته‌اند. مشارکت‌کننده کد (۶) چنین روایت کرد:

مشارکت‌کننده کد (۶) «من که می‌دونستم اون رابطه داره... نمی‌دونم دقیقاً اون چه جوریه یا کی متوجه رابطه من شد... برخورد بدی ندیدم... چون ما دربارش اصلاً حرفی نمی‌زدیم، هیچکدوم نمی‌خواستیم چیزی از اون یکی بدونیم، عادت کرده بودیم به این سیستم با هم بودن».

روایت این مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که آن‌ها رابطه فرازنشویی را بدون در نظر گرفتن انتظارات اجتماعی - فرهنگی مرتبط با رابطه زنشویی و پیامدهای اجتماعی - اخلاقی، براساس یک توافق بین فردی تعریف کرده‌اند. درک مشترک این گروه از مشارکت‌کنندگان و همسرانشان از مفهوم تعهد در رابطه زنشویی نشان می‌دهد این زوجین هر چند به صورت ضمنی، رابطه همدیگر با افراد خارج از رابطه زنشویی‌شان را به عنوان یک هنجار پذیرفته‌اند. آن‌ها انعطاف و پذیرش ضمنی اما متقابل در واکنش به درگیری در رابطه فرازنشویی یکدیگر را دلیلی بر موجه بودن رفتارهای خیانتکارانه تلقی می‌کردند.

۴-۴. همه‌گیرپنداری روابط فرازنشویی

این تم صرفاً از روایت برخی از مشارکت‌کنندگان مرد حاصل آمده است. این گروه از مشارکت‌کنندگان به فراگیری و شیوع روابط فرازنشویی اشاره داشتند و به نوعی خود را تابعی از یک جامعه اگر نگوییم خیالی می‌دانستند که در آن درگیری در روابط فرازنشویی بسیار شایع است. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت که:

مشارکت‌کننده کد (۱۷): «تا جایی که ما خبر داریم این روزها همه به جورایی درگیرین، از به طرف وضع اقتصادی که زندگی همه رو نابود کرده دو نفر بخان خوب هم باشن نمی‌تونن از اون ور این شبکه‌های مجازی».

این مشارکت‌کننده گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی و تشدید نارضایتی زوجین بواسطه مشکلات اقتصادی را سبب شیوع بیشتر روابط فرازنشویی می‌دانست. وی این عوامل را زمینه‌ساز ایجاد فرایندی تسریع‌کننده در قیح‌زدایی از روابط فرازنشویی در جامعه بیان می‌کرد؛ روابطی که در سایه ماهیت پنهان خود گسترش پیدا کرده و همزمان تهی از معنای اخلاقی شده‌اند.

همچنین، برخی مشارکت‌کنندگان روایت خود از درگیری در روابط فرازنشویی و بویژه روابط مجازی را با عباراتی چون «مشارکت‌کننده کد ۳: همه الان این کارها رو می‌کنن» «مشارکت‌کننده کد ۱۸: داره عادی میشه» همراه کردند. این افراد ادعا داشتند که این مسأله در جامعه شایع بوده و دلیل ادعای خود را مطرح شدن این روابط به مثابه یک مسأله عادی در رسانه‌ها، فیلم‌ها و حتی تعاملات نزدیک می‌دانستند. این افراد با اشاره به عمومیت این مسأله آنرا نه مسئله یا درگیری فردی بلکه اجتماعی می‌دانستند و بدین شکل سعی در توجیه درگیری خود در روابط فرازنشویی داشتند.

مشارکت‌کننده کد (۱۳) «شما نگاه کن تو خبرها، اطراف، همیشه به خبری درباره این نوع روابط میشه شنید، واقعاً عادیه، میشناسم دامادی که با مادرزنش رابطه داره، به جورایی مامانش درسته، یعنی میخام بهتون بگم تو نزدیکترین نسبت‌ها این روابط الان هست، من خودم خیلی دیدم».

روایت این مشارکت‌کنندگان را می‌توان چنین تعبیر کرد که از دیدگاه این افراد معمول و متداول بودن روابط فرازنشویی برچسب-زدایی اخلاقی از این روابط را به همراه داشته است. اگرچه گزارش این گروه از افراد نشان می‌دهد که برخلاف برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان آن‌ها سردرگمی در تعریف رابطه فرازنشویی ندارند و به طور کامل حدود تعریف آنرا می‌دانند اما با اشاره به وقوع نمونه‌های از تجربه خیانت در میان نزدیکان و اطرافیان اعتقاد داشتند این روابط به امری عادی در میان روابط زنشویی امروزی مبدل گشته است.

۴-۵. بی‌اعتبارسازی وفاداری زنشویی

روایت‌ها حاکی از آنست که برخی مشارکت‌کنندگان زن و مرد از طریق بی‌اعتبارسازی معنای وفاداری و تعهد زنشویی به برچسب-زدایی اخلاقی از روابط فرازنشویی پرداخته‌اند. اگر رابطه زنشویی متعهدانه را رابطه طولانی‌مدت بین دو نفر بدانیم که بایستی از نظر جنسی و عاطفی به یکدیگر وفادار باشند؛ فرایند بی‌اعتبارسازی برای مشارکت‌کنندگان بدین صورت است که وفاداری صرفاً به باقی ماندن در رابطه زنشویی بازتعریف می‌شود و دیگر مؤلفه یعنی انحصار جنسی و عاطفی داشتن نادیده گرفته می‌شود. به عبارتی، رابطه جنسی یا عاطفی داشتن خارج از چارچوب ازدواج نقض وفاداری زنشویی تعریف نمی‌شود.

روایت برخی از مشارکت‌کنندگان زن نشان می‌دهد این افراد معمولاً در یک گروه دوستی عضویت داشته‌اند که اعضای آن با هم آشنایی طولانی‌مدت داشته و بین آن‌ها روابط بسیار صمیمی و عمیقی جریان دارد. بین اعضای این گروه‌های دوستی بواسطه ازدواج، شغل یا مهاجرت الزاماً نزدیکی فیزیکی وجود ندارد و ممکن است در فضای مجازی و در قالب گروه‌های مجازی در ارتباط باشد. اما، همواره رازداری و اعتماد پایه اساسی این گروه بوده و افراد بدون ترس از افشاء به راحتی درباره تجربیات خود با دیگر اعضای صحبت می‌کنند. این گروه از مشارکت‌کنندگان ادعا داشتند که بیشترین حمایت را از این گروه دوستی دریافت می‌کنند حتی درگیر شدن در روابط فرازنشویی تحت فشار گروهی نبوده و معمولاً در یک فرایند تدریجی همراه با تشویق تجربه درگیری در روابط فرازنشویی برای افراد اتفاق افتاده است. براساس گزارش مشارکت‌کننده کد (۲) فرایند درگیری اعضای گروه ابتدا از طریق درگیری یکی از اعضای در روابط فرازنشویی اتفاق افتاده است و معمولاً پس از بیان و البته انتقال تجربه آن عضو به تدریج جریانی در گروه شکل گرفته که بعد گذشت زمان به صورت بی-ارزش کردن وفاداری و تعهد به خانواده و همسر ظاهر شده است. در این گروه‌ها، انتقال تجربه و گفتگوهای صمیمی همراه با تشویق، سازوکارهای هستند که از طریق آن به بی‌اعتبارسازی وفاداری در رابطه زنشویی دامن زده می‌شود.

اما برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان نادیده گرفتن بعد جنسی و عاطفی وفاداری زنشویی را با این تعبیر توجیه کردند که هدف آن-ها شناخت بیشتر شریک بوده است لذا درگیر شدن در رابطه فرازنشویی را تنها راه چاره برای شناخت شریک عنوان داشتند. آن‌ها بیان کردند از زندگی زنشویی و همسر خود ناراضییتی نداشته‌اند اما جستجوی یک زندگی ایدئال تصویری بود که این افراد را ترغیب به خواستن یک زندگی بهتر و با همسری از نظر ایشان شایسته‌تر کرده بود. آن‌ها گزارش کردند که در صورت مطلوب و مناسب‌تر بودن شریک نسبت به همسر قصد داشته‌اند از رابطه زنشویی بیرون بروند اما چون ناراضییتی از رابطه زنشویی خود ندارند برای انحلال آن باید از مطلوبیت شریک اطمینان حاصل می‌کردند. لذا، این افراد با نادیده گرفتن وفاداری، در سایه زندگی زنشویی خود وارد رابطه جنسی و عاطفی با شریک شده بودند.

مشارکت‌کننده کد (۱۶): «من از همسر ناراضی نبودم زندگی تقریباً خوبی داشتم هنوزم دارم ولی وقتی با این آشنا شدم حس کردم همیشه به زندگی بهتر داشت یه همسر بهتر. یه مدت که فقط یه دوستی ساده بود بعداً رابطمون صمیمی شد البته خب من سعی کردم صمیمی‌تر بشه اونم همراهی کرد فعلاً خوبیم و خوب پیش میره حالا باید ببینم بعداً چی میشه».

همچنین، مشارکت‌کننده کد (۱۵) گزارش کرد که تقریباً دو سال پیش رابطه خود را با شریک شروع کرده است و بیان داشت که تصمیم گرفته اگر شرایط رابطه با وی همچنان مثبت باشد همسر خود را طلاق داده و با او ازدواج کند. بررسی روایت این مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که آن‌ها رابطه فرازنشویی را به مثابه یک فرصت برای دستیابی به همسر و البته زندگی ایده‌آل تعریف می‌کنند. این مشارکت‌کنندگان ابتدا رابطه خود را در بستر شبکه‌های اجتماعی دنبال کرده بودند اما بعد از رسیدن به یک اطمینان خاطر نسبت به شریک ملاقات‌های گاه به گاهی در فضای واقعی با شریک ترتیب داده بودند. آن‌ها اعتقاد داشتند با طولانی‌تر شدن رابطه و اختصاص دادن زمان بیشتر و تعاملات صمیمانه هر چه بیشتر به شناخت از شریک دست خواهند یافت.

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان به صراحت با توجه به عوامل و شرایطی که آن‌ها را به رابطه فرازنشویی واداشته بود درگیر شدن در رابطه فرازنشویی را حق طبیعی خود می‌دانستند. آن‌ها وفاداری به زندگی زنشویی را منوط به وفاداری همسر و رضایت خود از رابطه زنشویی می‌دانستند.

مشارکت‌کننده زن کد (۱): «این رابطه حق منه، من تمام مسئولیت‌های زندگی‌م بر عهده خودم نه خرجم میدم نه حواسش به من هست. الان من حدود نه روزه که خونم آتیش گرفته پنج روزش خونه بابام اینا بودم چهار روزه من اومدم تو همین خونه پر از دوده و سیاهی، ایشون دوبار اومد به بار در حد یک ساعت. یه ساعت دیگه هم مامور بیمه اومده بود اونم چون یه کاری داشت بعد کارشو انجام داد و رفت. اصلاً نگفت که این زنم تو این شرایط تو این وضعیت کنارش باشم خونه باشم اصلاً براش مهم نیست پس حق طبیعی منه که یه رابطه داشته باشم».

البته این مشارکت‌کننده در ادامه مصاحبه خود در تعریف خیانت چنین روایت کرد:

مشارکت‌کننده کد (۱): «من میگم حتی به یه نفر یه پیام هم بدی این یعنی خیانت، از نظر من تعهد یعنی صفر تا صدش باید متعلق به یه نفر باشه».

اما او اعتقاد داشت این تعریف تا زمانی درست خواهد بود که هر دو زوج به آن عمل کنند. بر این اساس، برخلاف هنجارهای فرهنگی که از زنان انتظار می‌رود نسبت به خیانت همسر ساکت و بی‌توجه باشند این مشارکت‌کننده با تأکید بر استقلال اقتصادی و البته زیبایی ظاهریش اعتقاد داشت عدم وفاداری همسرش غیرقابل تحمل بوده است. لذا وی نقض انحصار جنسی رابطه زنشویی را با اشاره به شرایط و موقعیت خود امری طبیعی و پاسخی درست و منطقی به بی‌وفایی همسر می‌دانست.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی دستیابی به درکی عمیق از دیدگاه افراد متأهل نسبت به روابط فرازنشویی بوده است. لذا، تلاش داشته است تا زوایای پنهان درک و تفسیر آن‌ها نسبت به معنای این نوع روابط را روشن سازد. همچنین، این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته است که چگونه تفاسیر و معناهایی که افراد به روابط فرازنشویی نسبت می‌دهند، می‌تواند بر رفتارهای آنان تأثیر گذاشته و زمینه‌ساز ورود آنها به این نوع روابط شود. براساس نتایج این تحقیق معنا و تفسیر این افراد شامل تقلیل روابط فرازنشویی به آمیزش جنسی، ناچیزانگاری روابط فرازنشویی، همه‌گیرپنداری روابط فرازنشویی، بی‌اعتبارسازی وفاداری زنشویی و رابطه فرازنشویی به مثابه یک توافق ضمنی بوده است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد افراد متأهل طی این فرایند معنابخشی به برچسب‌زدایی از روابط

فرازناشویی به مثابه یک امر غیراخلاقی پرداخته و درگیر این روابط شده‌اند. همانطور که در نتایج تحقیقات (پلوسو^۱، ۲۰۱۹: ۱۶؛ برنان^۲، ۲۰۱۹، به نقل از آلکسوپولوس، ۲۰۲۱: ۲) نشان داده شده است کدهای اخلاقی پیرامون روابط فرازناشویی نقش بسیار مهمی در رابطه زناشویی دارند به همین دلیل برچسب‌زدایی اخلاقی از رابطه فرازناشویی را می‌توان استراتژی این افراد برای توجیه رفتار خیانت‌آمیز خود دانست. البته این فرایند معنابخشی چون با هنجارها و انتظارات اجتماعی غالب جامعه سازگاری ندارد به صورت پنهان انجام گرفته است. مایلهام (۲۰۰۷: ۲۰) این فرایند را عقلانی‌سازی رفتاری نامیده است. وی در بررسی دیدگاه افراد درباره رابطه فرازناشویی مجازی نشان داده است که این افراد از طریق عقلانی‌سازی رفتاری یعنی ساده و بی‌ضرر تعریف کردن رابطه فرازناشویی سعی در توجیه رفتار خیانت‌آمیز خود دارند و از این طریق عنوان بی‌وفایی را از رفتار خود برمی‌دارند. او اعتقاد دارد بین ارائه دلیل برای رفتار و عقلانی‌سازی آن تفاوت وجود دارد زیرا ارائه دلیل برای رفتارهای خواهد بود که از نظر اخلاقی خنثی هستند اما عقلانی‌سازی در مورد رفتارهای رخ می‌دهد که ملاحظات اخلاقی پیرامون آن‌ها نقش حیاتی دارند. البته برخلاف نتایج تحقیق مایلهام (۲۰۰۷) بررسی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد افراد مورد بررسی از طریق برچسب‌زدایی الزاماً تلاش نداشته‌اند عنوان بی‌وفایی را از رفتار خیانتکارانه خود بردارند بلکه آن‌ها سعی دارند از طریق این فرایند معنابخشی، درگیری خود در رابطه فرازناشویی را توجیه کنند. دلیل این تفاوت در نتایج دو تحقیق را شاید بدین علت بتوان برگرداند که افراد مورد بررسی مایلهام صرفاً درگیر رابطه فرازناشویی مجازی یا آنالین بودند اما اکثر افراد مورد بررسی این تحقیق علیرغم بهره‌گیری از فضای مجازی برای ارتباط، تجربه رابطه جنسی یا جنسی - عاطفی با شریک را در فضای واقعی داشتند. همانگونه که نتایج اکثر تحقیقات نشان می‌دهد برخلاف دیگر اشکال روابط فرازناشویی که اختلاف نظر بسیاری درباره خیانتکارانه بودن آن‌ها در روابط متعهدانه وجود دارد درباره روابط جنسی خارج از ازدواج به مثابه رابطه فرازناشویی اختلاف نظر چندانی بین افراد وجود ندارد (بوزویان و اشمیدبرگ، ۲۰۲۳: ۱۰۹۶؛ پلوسو، ۲۰۱۹: ۱۸). نتایجی که براساس یافته‌های تحقیق حاضر تأیید شد. به عبارتی، بررسی روایت‌ها بیانگر آنست که اگرچه مشارکت‌کنندگان در تعریف رفتار خود به مثابه رابطه فرازناشویی ابهامی نداشتند اما در نحوه تفسیر آن تعبیری گزارش کردند که نشان می‌دهد این افراد رفتار خیانتکارانه خود را عاری از بار معنایی منفی دانسته و معیارهای اخلاقی پیرامون آن را با آوردن توجیهاتی نادیده می‌گیرند. بدین ترتیب، این افراد به نقض هنجار انحصار جنسی - عاطفی در رابطه زناشویی به عنوان یک انتظار اجتماعی پرداخته و آن را تابعی از ترجیحات فردی و سودمندی‌های عاطفی-جنسی خود می‌سازند.

همچنین، نتایج بررسی ادراک روابط فرازناشویی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان مرد و زن نشان می‌دهد که تفاوت‌های بین این دو گروه وجود داشته است هر چند برخی از یافته‌ها بیانگر شباهت و تفسیر یکسان این دو گروه از رابطه فرازناشویی است. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های مردان و زنان ارائه نوع توجیهاتی بود که این دو گروه برای رابطه فرازناشویی جنسی ارائه می‌دادند. توجیهات مردان بیشتر بیانگر درونی‌شدن هنجارهای مردسالارانه بود. براساس فرهنگ مردسالار درگیری در روابط فرازناشویی جنسی یک امتیاز مردانه تلقی می‌شود. از این دیدگاه مردان تنوع طلب جنسی پنداشته می‌شوند و داشتن رابطه جنسی برای آن‌ها جنبه تنوع و سرگرمی دارد بنابراین روابط فرازناشویی جهت تحقق خواسته‌های جنسی ایشان خواهد بود. این باورهای غالب خود را به شکل مدارا با مردان به-هنگام درگیری در روابط فرازناشویی نشان می‌دهند. بر این مبنای واضح است که درگیری در روابط خارج از ازدواج مردان تنها در صورتی انگ دریافت خواهد کرد که آن‌ها درگیر رابطه فرازناشویی عمیق عاطفی شوند و یا به شکل افراطی درگیر روابط فرازناشویی

جنسی باشند اما با درگیری‌های جنسی موقتی مردان مدارا شده و حتی گاهی تأییدی بر مردانگی آن‌ها بوده و به عنوان یک موفقیت و نشان قدرت و جذابیت برای ایشان پنداشته می‌شود دیدگاهی که در روایت مشارکت‌کنندگان مرد به وضوح وجود داشت. به عبارتی، روایت آن‌ها درونی شدن این هنجار اجتماعی - فرهنگی را نشان می‌داد؛ زیرا با تفکیک رابطه جنسی از روابط عمیق عاطفی تجربه رابطه خارج از ازدواج جنسی خود را تجربه سطحی و گذرا توصیف کرده و آنرا امری ناچیز و بی‌اهمیت تلقی می‌کردند.

اما بررسی یافته‌های حاصل آمده از روایت زنان نشان می‌دهد اگرچه این افراد در گزارش‌های خود به کسب لذت و هیجان و داشتن سرگرمی برای درگیری در رابطه جنسی خارج از ازدواج اشاره کردند اما آن‌ها توجیهاتی چون واکنش به خیانت همسر و تقلیل رابطه فرازنشویی به توافقی بین فردی را برای درگیری در رابطه فرازنشویی جنسی بیان داشتند. از سوی دیگر، برخلاف باورهای جنسیتی استقرار یافته که وفاداری را برای زنان فی‌نفسه ضروری می‌دانند چراکه از این دیدگاه زنان مسئول حفظ رابطه هستند و از آن‌ها انتظار می‌رود که نیازهای خانواده را بر نیازهای خود ترجیح دهند؛ این افراد نه تنها درگیر در رابطه فرازنشویی شده بودند بلکه به تجربه جنسی خود در این روابط اشاره داشتند. هرچند گزارش‌ها حاکی از آنست که زنان همواره در رابطه جنسی با شریک محافظه‌کار بوده و با ملاحظه انتظارات فرهنگی و پیامدهای رابطه آن‌را ادامه داده بودند. بدین ترتیب، براساس یافته‌های تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت که این زنان نیازهای فردی را بر انتظارات جنسیتی ترجیح داده و مرزهای هنجاری وفاداری زنانه را به چالش کشیده‌اند. به بیان دقیق‌تر، آنها از یک سو بدون توجه به انتظارات جنسیتی به حق برخورداری از لذت و هیجان استناد می‌کنند، اما از سوی دیگر، به دلیل ترس از پیامدهای اجتماعی آشکارسازی رابطه فرازنشویی می‌کوشند رفتار خود را به صورت پنهانی و با توجیهاتی به ظاهر قابل قبول عقلانی‌سازی کنند.

همچنین، یکی دیگر از تفاوت‌های این دو گروه ادراک و تعریف آن‌ها از رابطه فرازنشویی عاطفی بود. صرف داشتن یک «رابطه بلندمدت» عاری از احساس صمیمیت یا کسب علاقه و توجه از طرف شریک مؤلفه‌های بودند که مردان عمدتاً در تعریف از رابطه فرازنشویی عاطفی بیان کردند. اما تعریف یکدستی از رابطه فرازنشویی عاطفی در میان زنان وجود نداشت. برخی زنان رابطه فرازنشویی عاطفی را داشتن یک رابطه متقابل عاشقانه یا رمانتیک با شریک توصیف می‌کردند بطوریکه گاهی تجربه منفی ناشی از رابطه فرازنشویی را به دلیل رمانتیک نبودن آن می‌دانستند. ولی گروهی دیگر اگرچه همچون برخی از مردان رابطه فرازنشویی عاطفی را به معنای یک رابطه طولانی‌مدت عاری از صمیمیت و حس دوست داشتن تعریف کردند اما بیان داشتند هدفمندانه درگیر رابطه عاطفی یا به عبارت دقیق‌تر رابطه بلندمدت با شریک شده بودند. درواقع، تجربه این گروه از زنان متأهل درگیر نشان می‌دهد که این افراد با ایجاد رابطه بلندمدت می‌توانستند شناخت بیشتری از شریک کسب کرده و از این طریق مسیر امنی برای محافظت در برابر امور غیرقابل پیش‌بینی ایجاد کنند. بدین صورت که این گروه از زنان با ایجاد یک رابطه گاه به ظاهر عاطفی به شکلی راحت‌تر و البته بااطمینان‌تر درگیر رابطه فرازنشویی جنسی با شریک شده بودند.

در مجموع، نکات قابل تأملی که از یافته‌های تحقیق استخراج شد این بود که این افراد علیرغم تعریف روادارانه‌ای که از روابط فرازنشویی خود بیان داشتند در بیان نگاه و درک خود از روابط فرازنشویی برای دیگران بسیار محتاط بودند و تمایلی به افشاء رابطه خارج از ازدواج بویژه نزد اطرافیان را نداشتند. گزارش‌ها حاکی از آنست که این افراد با پنهان کردن رابطه فرازنشویی خود از روایت یکسان جامعه نسبت به نادرست و غیراخلاقی بودن درگیری در رابطه فرازنشویی آگاهی دارند و می‌دانند که چنین روابطی توسط دیگران به شدت مورد قضاوت قرار می‌گیرد. افزون بر این، در پاسخ به این پرسش که تصور کنید همسر شما درگیر رابطه فرازنشویی

شده واکنش شما چه خواهد بود؟ اکثر مشارکت‌کنندگان توصیفی که از واکنش خود در برابر خیانت فرضی همسر بیان می‌کردند چندان همراه با تسامح نبوده و حتی گاه بسیار سخت‌گیرانه بود.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد افراد مورد بررسی به برجسب‌زدایی از روابط فرازنشویی به مثابه یک امر ناپه‌نجانار و غیراخلاقی پرداخته‌اند. در فرایند برجسب‌زدایی تساهل نسبت به روابط فرازنشویی ایجاد خواهد شد. بررسی اینکه چه عوامل و شرایطی سبب اتخاذ چنین دیدگاهی نسبت به روابط فرازنشویی در بین افراد متأهل می‌شود در بسترهای محافظه‌کار اخلاقی چون جامعه ایران چه بسا از اهمیتی دوچندان برخوردار باشد. همچنین، یکی دیگر از مسائلی که برای شناخت بیشتر رابطه فرازنشویی نیاز به تحقیق و پژوهش خواهد داشت بررسی رابطه فرازنشویی به مثابه یک توافق ضمنی است. همانطور که پیش‌تر بیان شد رابطه فرازنشویی به مثابه یک توافق بدان معناست که این افراد و همسرانشان به تدریج با آگاهی از درگیری یکدیگر در رابطه فرازنشویی با آن کنار آمده و به نوعی آنرا پذیرفته‌اند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که این تم صرفاً مربوط به تجربه برخی از مشارکت‌کنندگان زن بوده است. براساس این گزارش‌ها نباید دو موضوع را نادیده گرفت؛ نخست آنکه نتایج اکثر تحقیقات نشان داده است که درگیری افراد در روابط فرازنشویی به صورت غیرتوافقی و پنهان انجام می‌شود و به طور معمول همسر خیانت‌دیده اطلاعاتی از رابطه خارج از رابطه زنشویی ایشان ندارد (هرتلین و پیرسی^۱، ۲۰۰۶: ۳۶۷). در حالیکه این افراد گزارش کردند همسرانشان از روابط آن‌ها به صورت ضمنی اطلاع دارند. دوم اینکه به موجب هنجارها و کلیشه‌های جنسیتی رفتارهای خیانتکارانه مردان شاید تا حدودی از نظر فرهنگی تحمل شده و یا گاهی از نظر اجتماعی پذیرفته شده باشد اما در اکثر جوامع درگیری زنان امری غیرقابل پذیرش دانسته شده و معمولاً این افراد بعد از افشاء با اشکال متفاوتی از محرومیت‌های اجتماعی و چه بسا قتل روبرو می‌شوند. بنابراین، بررسی این موضوع بویژه از دیدگاه مردانی که چنین تجربه‌ای را در رابطه زنشویی خود دارند اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت.

در نهایت، ضروریست یادآوری شود که شاید نتایج این تحقیق بواسطه آنکه رویکردی کیفی دارد برای تعمیم‌پذیری نتایج پیش‌گفته کافی نباشد اما دست‌کم بایستی این پرسش مطرح شود که آیا دیدگاه این افراد نسبت به روابط فرازنشویی را می‌توان نشانه‌ تغییر نگرش اجتماعی نسبت به روابط فرازنشویی تلقی کرد؟ به طور قطع، این پرسش صرفاً با انجام تحقیق پاسخ آن مشخص خواهد شد، تحقیقاتی که دیدگاه جمعیت متنوعی از افراد با سطوح تحصیلی، پیشینه‌های قومی، وابستگی‌های مذهبی، تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی و سنین مختلف را مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- اسکندری، مریم و پرندین، شیمما. (۱۴۰۱). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های رضایت جنسی و صمیمیت در زوجین، نشریه علمی و فرهنگی زنان و خانواده، ۱۷ (۵۸): ۱۸۳-۱۹۹.
- پیرزاده، میلاد؛ بنی‌سی، پریناز؛ و وطن‌خواه، حمیدرضا. (۱۳۹۸). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس رضایت جنسی، کیفیت روابط زناشویی و رضایت زناشویی زنان متأهل جوان پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری ۴ (۳۹): ۱۶-۳۲.
- رجبی، بهروز. (۱۳۹۸). خیانت، عامل ۸۰ درصد طلاق‌ها، قابل دسترس در <https://www.khabaronline.ir/news/1292274>.
- رافعی، فهیمه. (۱۴۰۰). وقتی خیانت عامل ۸۰ درصد طلاق‌ها می‌شود، قابل دسترس در <https://www.omidebanovan.ir/fa/news/6156>.
- علی‌وردی نیا، اکبر؛ ریاحی، محمد اسماعیل؛ مددی، مریم؛ و جلیلی، فاطمه. (۱۴۰۲). تحلیل جامعه‌شناختی نوع نگرش و رفتار زنان متاهل دارای روابط فرازنشویی نسبت به این نوع روابط، رفاه اجتماعی، ۲۳ (۹۰): ۲۱۱-۲۵۸.
- فتحی آشتیانی، علی. (۱۴۰۳). تهرانی‌ها رکورد زدند؛ این بار در آمار طلاق! قابل دسترس در <https://jahanesanat.ir/467728>.
- موقر، مهشید. (۱۳۹۷). ۳ دلیل اصلی افزایش طلاق در کلان‌شهرها، قابل دسترس در <https://www.khabaronline.ir/news/1225674/%DB%B3>.
- وجدانی، شهریار؛ کرمی، مریم؛ و احمدی، صدیقه. (۱۳۹۹). بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متاهل، نشریه مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، ۲ (۱۸): ۱۹۳-۲۲۰.
- وحید، فریدون؛ سبزه، حسینعلی؛ و ذاکری، حامد. (۱۳۹۴). تحلیل و بررسی کیفی عوامل مؤثر بر همسرکشی در بین زنان و مردان، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۶ (۱)، ۱۹۳-۲۱۴.
- یوسفی، ناصر؛ کریمی‌پور، بنت‌الهدی؛ و امانی، احمد. (۱۳۹۶). بررسی مدل باورهای مذهبی، سبک‌های حل تعارض و تعهد زناشویی با نگرش نسبت به خیانت زناشویی، دوفصلنامه مشاوره کاربردی، ۶ (۱)، ۴۷-۶۴.
- Abbaszadeh, M., Adlipour, S., Alizadeh Aghdam, M. B., & Aghayari Hir, T. (2019). The attitudes toward extramarital relations and some of its related factors among families of Tabriz. *Journal of Research and Health, 9*(6), 496-504.
- Alexopoulos, C. (2021). Justify my love: Cognitive dissonance reduction among perpetrators of online and offline infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships, 38*(12), 3669-3691.
- Allen, E. S., & Atkins, D. C. (2012). The association of divorce and extramarital sex in a representative US sample. *Journal of Family Issues, 33*(11), 1477-1493.
- Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships I: A methodological review. *Journal of marital and family therapy, 31*(2), 183-216.
- Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships ii: A substantive review. *Journal of marital and family therapy, 31*(2), 217-233.
- Bozoyan, C., & Schmiedeberg, C. (2023). What is infidelity? A vignette study on norms and attitudes toward infidelity. *The Journal of Sex Research, 60*(8), 1090-1099.
- Campbell, K., & Wright, D. W. (2010). Marriage today: Exploring the incongruence between Americans' beliefs and practices. *Journal of Comparative Family Studies, 41*(3), 329-345.
- Conley, T. D., Moors, A. C., Ziegler, A., & Karathanasis, C. (2012). Unfaithful individuals are less likely to practice safer sex than openly nonmonogamous individuals. *The journal of sexual medicine, 9*(6), 1559-1565.
- Cravens, J. D., Leckie, K. R., & Whiting, J. B. (2013). Facebook infidelity: When poking becomes problematic. *Contemporary Family Therapy, 35*, 74-90.
- Fife, S. T., Weeks, G. R., & Gambescia, N. (2008). Treating infidelity: An integrative approach. *The Family Journal, 16*(4), 316-323.

- Hall, J. H., & Fincham, F. D. (2009). Psychological distress: Precursor or consequence of dating infidelity?. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 35(2), 143-159.
- Henline, B. H., Lamke, L. K., & Howard, M. D. (2007). Exploring perceptions of online infidelity. *Personal relationships*, 14(1), 113-128.
- Hertlein, K. M., & Piercy, F. P. (2006). Internet infidelity: A critical review of the literature. *The Family Journal*, 14(4), 366-371.
- Jackman, M. (2015). Understanding the cheating heart: What determines infidelity intentions?. *Sexuality & Culture*, 19(1), 72-84.
- Labrecque, L. T., & Whisman, M. A. (2017). Attitudes toward and prevalence of extramarital sex and descriptions of extramarital partners in the 21st century. *Journal of Family Psychology*, 31(7), 952.
- Lonergan, M., Brunet, A., Rivest-Beaugard, M., & Groleau, D. (2021). Is romantic partner betrayal a form of traumatic experience? A qualitative study. *Stress and Health*, 37(1), 19-31.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of Sexual Behavior*, 40, 971-982.
- Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A. W., & Weidler, D. J. (2010). Foggy faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample. *Journal of Family Issues*, 31(11), 1465-1480.
- Mileham, B. L. A. (2007). Online infidelity in Internet chat rooms: An ethnographic exploration. *Computers in Human Behavior*, 23(1), 11-31.
- Moller, N. P., & Vossler, A. (2015). Defining infidelity in research and couple counseling: a qualitative study. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 41(5), 487-497.
- Munsch, C. L. (2012). The science of two-timing: the state of infidelity research. *Sociology Compass*, 6(1), 46-59.
- Munsch, C. L. (2015). Her support, his support: Money, masculinity, and marital infidelity. *American Sociological Review*, 80(3), 469-495.
- Nazari, A., Hosseinnia, M., & Najafi, E. (2024). Sexual satisfaction and attitude toward marital infidelity among married people in Iran: the role of social media and entertainment preferences. *BMC Public Health*, 24(1), 1693.
- Nemeth, J. M., Bonomi, A. E., Lee, M. A., & Ludwin, J. M. (2012). Sexual infidelity as trigger for intimate partner violence. *Journal of Women's Health*, 21(9), 942-949.
- Peluso, P. R. (2019). *A family systems guide to infidelity: helping couples understand, recover from, and avoid future affairs*. Routledge.
- Perel, E. (2017). *The state of affairs: Rethinking infidelity-A book for anyone who has ever loved*. Hachette UK.
- Pichon, M., Treves-Kagan, S., Stern, E., Kyegombe, N., Stöckl, H., & Buller, A. M. (2020). A mixed-methods systematic review: Infidelity, romantic jealousy and intimate partner violence against women. *International journal of environmental research and public health*, 17(16), 5682.
- Roshanaei, M. (2022). Prediction of attitudes towards infidelity based on identity and life satisfaction. *Iranian Journal of Educational Research*, 1(2), 38-55.
- Schneider, J. P., Weiss, R., & Samenow, C. (2012). Is it really cheating? Understanding the emotional reactions and clinical treatment of spouses and partners affected by cybersex infidelity. *Sexual Addiction & Compulsivity*, 19(1-2), 123-139.
- Scott, S. B., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Allen, E. S., & Markman, H. J. (2013). Reasons for divorce and recollections of premarital intervention: Implications for improving relationship education. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 2(2), 131.
- Snyder, D. K., Baucom, D. H., & Gordon, K. C. (2008). An integrative approach to treating infidelity. *The Family Journal*, 16(4), 300-307.
- Sweeney, M. M., & Horwitz, A. V. (2001). Infidelity, initiation, and the emotional climate of divorce: are there implications for mental health? *Journal of health and social behavior*, 295-309.
- Tang, Y. (2019). *Defining infidelity and identifying offending spouses*. (Tesis of Master), University of Kentucky, Estados Unidos.
- Thapa, R., Yang, Y., & Nget, M. (2019). Perceptions of sexual infidelity in rural Cambodia: a qualitative study of adolescent men. *American journal of men's health*, 13(3), 1557988319848576.

- Thompson, A. E., & O'Sullivan, L. F. (2016). Drawing the line: The development of a comprehensive assessment of infidelity judgments. *The Journal of Sex Research*, 53(8), 910-926.
- Thompson, A. E., Zimmerman, C. N., Kulibert, D., & Moore, E. (2017). Sex differences and the effect of rival characteristics on adults' judgments of hypothetical infidelity. *Evolutionary Psychological Science*, 3, 97-108.
- Townsend, L., Jewkes, R., Mathews, C., Johnston, L. G., Flisher, A. J., Zembe, Y., & Chopra, M. (2011). HIV risk behaviours and their relationship to intimate partner violence (IPV) among men who have multiple female sexual partners in Cape Town, South Africa. *AIDS and Behavior*, 15, 132-141.
- Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of marriage and family*, 62(1), 48-60.
- Twenge, J. M., Sherman, R. A., & Wells, B. E. (2015). Changes in American adults' sexual behavior and attitudes, 1972-2012. *Archives of sexual behavior*, 44, 2273-2285.
- Vossler, A., & Moller, N. P. (2020). Internet affairs: Partners' perceptions and experiences of internet infidelity. *Journal of sex & marital therapy*, 46(1), 67-77.
- Wilson, K., Mattingly, B. A., Clark, E. M., Weidler, D. J., & Bequette, A. W. (2011). The gray area: Exploring attitudes toward infidelity and the development of the Perceptions of Dating Infidelity Scale. *The Journal of social psychology*, 151(1), 63-86.

